

چکیده

یکی از تأکیدات مهم اسلام که نقش اساسی در رشد و تعالی انسان و تقرب او به سوی خداوند دارد، تشکیل خانواده است. هدف ازدواج آرامش زن و مرد در کنار هم، به وجود آمدن انس و الفت بین آن دو، کمک به یکدیگر در تهذیب و تزکیه نفس و ایجاد بستری مناسب جهت تربیت فرزندی صالح است. بدون تردید اهداف مزبور جز با تفاهم اصولی، سنخیت و همگونی، تناسب فکری، اخلاقی و روحی بین زوجین تحقق پذیر نیست.

از منظر قرآن کریم و نیز روایات معیارهای اصلی همشانی در نکاح دین و اخلاق یعنی سازگاری معرفتی و رفتاری زوجین نسبت به یکدیگر است؛ هرچند که عوامل دیگر مانند تمکن مالی، زیبایی، اصالت خانوادگی و علم به عنوان شرط کمال حایز اهمیت است.

مقدمه

یکی از سنت‌های نبوی، تشویق و ترغیب به ازدواج، تسهیل در این امر و فراهم‌سازی بستر مناسب برای آن است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هیچ بنایی در اسلام و در پیشگاه خداوند متعال دوست داشتنی‌تر از ازدواج نیست.» (سخن صدوق ۲۳۷/۳) از نظر اسلام ازدواج مایه صیانت دین، بقاء و پاک‌سازی نسل و منشأ خیرات و برکات فراوان است. هدف از تشکیل زندگی مشترک، سعادت انسان است و در جهت رسیدن به این هدف، اسلام برای تشکیل خانواده پاک‌ی و دینداری، پرهیزکاری و سایر صفات نیک انسانی زن و مرد را با توجه بیشتری مدنظر قرار می‌دهد.

همشانی در ازدواج

همشانی که در متون دینی ما تحت عنوان «کفائت» آمده، عبارت است از یکسانی، برابری، هم‌مرتب بودن، همتایی و مماثلت. (ابن منظور، ۱۱۲/۱۲ - شرتونی ۱۰۹۰/۲ - طریخی ۱۲۶/۱) و در اصطلاح عبارت است از همشانی، همتایی و تناسب زن و مرد در نکاح از لحاظ دینی و اخلاقی. (نجفی ۱۰۸/۳) از نظر اسلام مبنای همتایی و همشانی زوجین تدین، عفت و خلق نیکو و به عبارت دیگر سازگاری معرفتی و رفتاری است و بقیه معیارها که معمولاً مردم روی آن تکیه می‌کنند، اصل محسوب نمی‌شود بلکه توجه افراطی به آن منشأ مشکلات فراوان اجتماعی و خانوادگی نیز می‌گردد. پرواضح است که اصالت خانوادگی، شخصیت اجتماعی، زیبایی و تمکن مالی به عنوان شرط کمال نه شرط لازم، در تشکیل خانواده و استحکام آن از نقش غیرقابل انکاری برخوردارند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «اگر کسی به خواستگاری دختر شما آمد و از دینداری و امانت‌داری او راضی هستید، به او زن دهید.» (ری‌شهری ۲۸/۴) رعایت همشانی در ازدواج باعث می‌شود که زوجین هم در مقام اندیشه و هم در مقام عمل، برای یکدیگر ارزش قایل شده و نسبت به هم درک صحیح و در نتیجه تفاهم مطلوب پیدا نمایند.

همشانی در ازدواج از دیدگاه قرآن کریم

اهمیت و ضرورت همشانی در نکاح از نظر قرآن بر هیچ کس پوشیده نیست. براساس آیات قرآن ازدواجی موفق است که در آن زوجین براساس اسلام و ایمان، اخلاق حسنه، صفا و صمیمیت، تفاهم و درک متقابل زندگی شیرینی را بنیان نهند. قرآن کریم در آیات متعدد از جمله در سوره بقره آیه ۲۲۱، احزاب آیه ۳۶ و ۳۷، نور آیه ۳ و ۲۶ و ممتحنه آیه ۱۰ پیرامون موضوع همشانی در ازدواج و معیارهای آن نکات مهمی را مطرح کرده است.

از نظر منطبق قرآن ملاک مهم و اساسی در ازدواج موفق و سعادت‌مند، ایمان به خداوند و التزام به ارزش‌های دینی و اخلاقی است. در سوره بقره آیه ۲۲۱ آمده است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا بِمَا آمَنَ بِكُمْ مُّؤْمِنًا وَلَا يَكُونُوا لَكُمْ حُرْمًا وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا يُؤْتِي السُّخْرَىٰ لَعَنُوا وَهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِمَا كَانُوا يُعْسَقُونَ»؛ و با زنان مشرک و بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید اگرچه دسترسی جز به ازدواج با کنیزان نداشته باشید زیرا کنیز با ایمان از زن بت‌پرست بهتر است؛ اگرچه زیبایی یا ثروت یا موقعیت او شما را به شگفتی درآورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست مادامی که ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید اگرچه ناچار شوید آن‌ها را به همسری بنده باایمان درآورید زیرا یک بنده با ایمان از یک مرد بت‌پرست بهتر است؛ هرچند مال و موقعیت و زیبایی او شما را به شگفتی درآورد.

در ارتباط با شأن نزول آیه شریفه آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرثد بن ابی مرثد غنوی را به مکه فرستاد تا عده‌ای از مسلمانان را از مکه بیاورد و چون او مردی شجاع و قوی بود، در مکه زنی به نام عناق او را به سوی خود خواند ولی مرثد از این کار امتناع ورزید، با این که در جاهلیت آندو دوست هم بودند. عناق گفت: میل داری با من ازدواج کنی؟ مرثد گفت: باید از رسول خدا اجازه بگیرم. هنگامی که به مدینه برگشت از آن جناب خواست تا با عناق ازدواج کند، که این آیه نازل شد و بیان داشت که زنان مشرک و بت پرست شایسته همسری و ازدواج با مردان مسلمان نیستند. (طبرسی ۱۲ / ۳۱۷)

اشتراط ایمان در نکاح براساس آیه مزبور از دو جهت قابل اثبات است: الف - از عبارت «و لامة مؤمنة خیر من مشرکه» و «لعبد مؤمن خیر من مشرک» می‌توان استفاده کرد که ملاک همشانی در ازدواج مال، حسب و نسب، زیبایی و... نیست بلکه ایمان به خدا و التزام به ارزش‌های دینی که از جمله آن رعایت تقوا است، می‌باشد. ب - در ادامه آیه آمده: «اولئک یدعون الی النار و اللہ یدعوا الی الجنة و المغفرة یاذنه». در تفسیر المیزان آمده: «عبارت «اولئک یدعون...» اشاره است به حکمت تحریم ازدواج با مشرکان، زیرا آنان از آنجایی که اعتقاد به باطل دارند و راه ضلالت را طی می‌کنند قهراً ملکات رذیله که باعث جلوه یافتن کفر و فسوق در نظر آدمی است و انسان را از دیدن حق و حقیقت کور می‌کند، در دل هایشان رسوخ می‌یابد، به طوری که گفتار و کردارشان دعوت به شرک شده و به سوی هلاکت راهنمایی می‌کند و در نهایت آدمی را به آتش می‌کشاند، اما مؤمنان برخلاف آن با سلوک راه ایمان و اتصافشان به لباس تقوا انسان را به زبان و عمل به سوی جنت و مغفرت آن هم به اذن خدا می‌خوانند و به رستگاری و صلاح که سرانجامش جنت و مغفرت است، راه بنمایانند. «(علامه طباطبائی ۲۱۳/۲) آیه ۲۶ سوره نور نیز که خداوند مردان و زنان طیب را هم‌سنگ یکدیگر و مردان و زنان خبیث را مجانس هم دانسته، در راستای آیه ۳ نور است، زیرا گروهی بودند که می‌خواستند با زنان آلوده و ناپاک ازدواج کنند ولی خداوند آنها را از این کار منع فرموده است. (میان ۴۳۳) خداوند متعال فرمود: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّغُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند. و بالعکس زنان پاکیزه از آن مردان پاکیزه‌اند و مردان پاک نیز تعلق به زنان پاک دارند و اینان از نسبت‌های ناروایی که به آنها داده می‌شود میرا هستند، و برای آنها آمرزش الهی و روزی پرازش است.

در ارتباط با مفهوم خبیثات و خبیثون و طیبات و طیبون در آیه مزبور نظرات مختلفی میان مفسران مطرح شده است. بعضی آن را به سخنان ناپاک و پاک معنا کرده‌اند. برخی دیگر آن را به اعمال ناپاک و پاک تفسیر کرده‌اند، اما بسیاری از مفسران با توجه به قراین و سیاق آیات و روایاتی که در تفسیر آن آمده، معتقدند که خبیثات و خبیثون اشاره به زنان و مردان آلوده دامن و غیرمؤمن است، و طیبات و طیبون در مورد زنان و مردان پاک دامن و مؤمن است. (طبرسی ۸ - ۱۳۵ / ۷)

با توجه به این که «لام» در «للخبیثین» و «للطیبات» لام اختصاص است (الوسی ۱۳۷/۱۸) بنابراین باید گفت که مردان و زنان آلوده به یکدیگر اختصاص دارند و مردان و زنان پاکدامن نیز مختص به هم هستند. براساس همین مجانست و هم‌سنگ بودن است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا فِيهِمْ وَأَخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ» (شیخ حر عاملی ۲۹/۱۴)؛ به همگنان زن بدهید و از همگنان همسر بگیرید و برای داشتن فرزند بهتر و صالح، - همسر همشان - انتخاب و گزینش کنید.

نکته قابل ذکر دیگر این که هرچند با توجه به سیاق آیات و روایات مراد از مردان و زنان خبیث و طیب، همان جنبه‌های عفت و ناموسی و ناپاکی و پاکی از این جهت است، اما از بعضی روایات استفاده می‌شود که خبیث و طیب در اینجا معنای وسیعی دارد و مفهوم آن منحصر به آلودگی و پاکی جنسی نیست، بلکه شامل هرگونه پاکی و ناپاکی فکری، عملی و زبانی می‌شود. (مکارم شیرازی ۴۳۳/۱۲)

نتیجه بحث

با توجه به آنچه آمد، از دیدگاه قرآن کریم ملاک اصلی همشانی زوجین ایمان به خدا، پاکدامنی و اخلاق نیکو است و معیارهای دیگر مانند اصالت و شرافت خانوادگی، توازن و تناسب جسمی و جنسی، جمال و زیبایی، علم و سواد به عنوان شرط کمال بوده و در بهتر شدن، دوام و شیرینی زندگی مشترک می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

همشانی زوجین به دنبال خود همسازی شناختی و اخلاقی را به وجود می‌آورد که نتیجه آن پایبندی به ارزشهای دینی و اخلاقی از قبیل خداترسی، دوست داشتن یکدیگر، معاشرت نیکو، ایثار، گذشت، عفت و پاکدامنی و تحمل مشکلات زندگی است که امروزه از ضروری‌ترین نیاز زندگی مشترک و سبب دوام آن محسوب می‌گردد.

فهرست منابع

۱ - قرآن کریم

۲ - اوسی، شهاب‌الدین السید محمود، تفسیر روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۳ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.

۴ - انکسونس و هیلاگر، زمینه روانشناسی، زیر نظر و به ویراستاری دکتر محمدرضا براهی با همکاری جمعی از مترجمان، تهران، انتشارات رشد، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲ ش.

۵ - ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمة، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۰۵ ق.

۶ - شروتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۲ ق.

۷ - شهید ثانی، زمان‌الدین الرجعی العاملی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، دارالهدی للطباعة و النشر، بی‌تا.

۸ - شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۲ ق.

۹ - شیخ صدوق، ابوجعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.

۱۰ - طبرسی، ابوالفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، کتابخانه علمیه الاسلامیه، بی‌تا.

۱۱ - طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.

۱۲ - علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، چاپ در سلسله التالیفات الفقیهیه، به کوشش علی اصغر مروایذ، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه و الدار الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۳ - علامه طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۹۷۳ م.

۱۴ - کاپریز، فرانک، س، روانکاوی عمومی، ترجمه مشفق همدانی، تهران، نگاه مطبوعاتی صفی‌پاشا، ۱۳۵۲ ق.

۱۵ - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۶۲ ش.

۱۶ - نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.